

عید پرشکوه مهرگان

این پرندۀ قشنگ آتشین
که هرگاه حلقه می زند به در
و با کرامتی به وسعت غرور خویش
می پراکند به دشت بذرهای زر
حیات می دمد زمین و خاک را
که می کند پر از جوانه تاک را
به جلوه ئی خدای گونه می کند
به سرزمین ما نگاه تابناک را

میتراست،

گهی فروغ و روشنی است
یا که مهر نام اوست
پیام آشنای عشق و زندگی
رحیق جام اوست
او،

رسیده از فراز قرن ها
به ما تنیده از گذشته های دور
نشسته بر مقرنس سریر آسمان
پراز غرور

عید پر شکوه مهرگان
که جام جانش از شراب سرخ دوستی است
رزم را بهانه ئی است
در سرود پر طنین سرزمین من
از نوای واژه های گرم او نشانه ای است
از ستیز جاودانه غرور ناک اوست

دیو شب همیشه منهنم
اهرمن هراسناک و دل نزنند

آه سرزمین من

سینه تو گرم

صبح جاودانه تو پرشکوه

باش که بندهای دردها ز پای رنجیده تو وا شود
باش تا که ساحت تو از گزند هر ددی رها شود
جلگه های غم گرفته ات پر از نشاط و شادی و
صفا شود.

ایرج

منتشر شد

اسناد

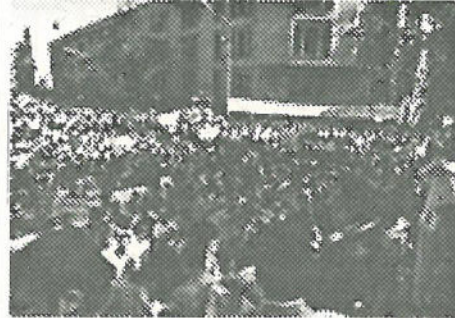
چهارمین کنگره
حزب توده ایران



جنبش دانشجویی در مقابل
موج سرکوب

«بسیج دانشجویی»، تشکیلات نظامی ارتجاع در مقابل جنبش
دانشجویی

«استبداد و انحصار دشمن دانشگاه است، جنبش دانشجویی از
هر دو بیزار است!»



با آغاز سال
تحصیلی جدید،
محیط های
دانشجویی، بار
دیگر به صحنه
داغ مبارزه
دانشجویان و
دانش آموزان با
ارتجاع و
مزدوران

استبداد، تبدیل شده است. در هفته های اخیر، شمار زیادی از نهادهای
دانشجویی، در اعتراض به دستگیری های گسترده نویسندگان و روزنامه
نگاران دگراندیش، در اعتراض به ایجاد «بسیج دانشجویی»، به عنوان یک
نهاد «نظامی - پلیسی» در دانشگاه ها، و در اعتراض به عملکرد شورای
نگهبان، در ارتباط با بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس خبرگان،

ادامه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

رأی دادن در انتخابات مجلس خبرگان، رأی دادن
به ادامه رژیم استبدادی «ولایت فقیه»، رأی دادن
به سرکوب آزادی و عدالت خواهی، رأی دادن به
انحصار طلبی و رأی دادن به سلب حقوق مردم

ایران است! در صفحه ۳

در این شماره

«انتخابات» مجلس خبرگان

- خامنه ای: همه باید در انتخابات شرکت کنند
- رفسنجانی: ما چاره ای جز شرکت در انتخابات نداریم
- مجمع روحانیون مبارز: ما خلع سلاح شده ایم

ص ۲

سخنی کوتاه درباره عملکرد و برنامه اقتصادی

ص ۴

جمهوری اسلامی در شرایط کنونی

وقتی که تاریخ قضاوت می کند! آیا خامنه ای

ص ۵

به یاد دارد که ...

ص ۸

میلیون ها کارگر و زحمتکش بر ضد یلتسین

نامه
مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۲، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۲۱ مهرماه ۱۳۷۷

«آزادی های بی حد و
مرز»؟! از کدام آزادی
سخن می گویند؟

در پی تهدیدهای ماه های اخیر سران
ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» به «گردن
زدن» و «زبان بریدن» مخالفان، سرانجام به
فرمان «ولی فقیه»، یورش آشکار به روزنامه
ها، مجلات و نشریات دگراندیش آغاز شد،
و شماری روزنامه ها و مجلات توقیف شدند
و تعدادی از روزنامه نگاران و نویسندگان
مستقل به جرم «اقدام علیه امنیت ملی»
دستگیر و روانه شکنجه گاه های رژیم
گردیدند. همزمان با این حرکات
سرکوبگرانه، که در فضایی آکنده از جنگ
طلبی، خشونت و واپسگرایی، صورت می
گیرد، مجیزگویان ارتجاع، روزنامه های
مدافع «ذوب در ولایت» و برخی از مسئولین
دولت، از جمله مهاجرانی وزیر ارشاد،
همگام و همصدا با «ولی فقیه»، سخن از
«سو استفاده از آزادی ها» را بهانه اقدام
های سرکوبگرانه اخیر اعلام کردند.

در میان موضع گیری هایی که در هفته
های اخیر در این زمینه صورت گرفته است،
مواضع مهاجرانی، به عنوان سخنگوی دولت
و وزیر ارشاد، قابل توجه است.
روزنامه جمهوری اسلامی، وابسته به «ولی
فقیه»، سخنان و موضع گیری مهاجرانی را
چرخش شگفت انگیز دانست و سؤال کرد
که اگر «آقای وزیر» این مسایل را می
دانسته چرا خود زودتر اقدام نکرده است.

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مهم نیست به چه کسی رأی می دهید، فقط در انتخابات شرکت کنید «مجمع روحانیون مبارز»: ما خلع سلاح شده ایم

انتخابات مهمی ارزیابی نمی‌کنم. تعداد قابل توجهی از یاران و زجر کشیده‌های انقلاب و کسانی که بارها مورد تأیید و توجه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری بوده‌اند، رد صلاحیت شده‌اند که اگر تعبیر فاجعه مناسب نباشد، قطعاً ضایعه تأسف آورنده است. روزنامه‌های همشهری، یکشنبه، ۱۹ مهرماه خبر داد که آیت الله طاهری و فاضل هرنندی، «از نامزدی مجلس خبرگان، از استان اصفهان، انصراف کرده‌اند»

• «مجمع روحانیون مبارز»، در بیانیه‌ای که روز یکشنبه، ۱۹ مهرماه در تهران انتشار یافت مواضع خود درباره انتخابات مجلس خبرگان را اعلام کردند. در این بیانیه آمده است: «مجمع روحانیون مبارز با همه رایزنی‌های جمعی و فردی به ویژه از ناحیه دبیر محترم مجمع به علل مذکور، در مرحله ثبت نام، توفیق اندکی در به صحنه آوردن عالمان مجتهد و متعهد و آگاه به دست آورد... با کمال تأسف شیوه در پیش گرفته شده توسط شورای نگهبان همچون هشت سال پیش در انتخابات مجلس خبرگان دوم زنگ خطر برگزاری انتخاباتی نه در خور شان ملت رشید ایران را به صدا در آورد... اکنون که شورای نگهبان نتایج بررسی‌های نهایی خود را طی فهرستی اعلام کرده است، مجمع روحانیون مبارز همچون هشت سال پیش در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان خود را خلع سلاح شده و دست بسته می‌بیند. همه زحمات چند ماهه خود را برای انتخاباتی حماسی، پرشور و کم نظیر بی نتیجه می‌بیند... و اگر خدای ناخواسته نتیجه مطلوب حاصل نشد خویش را مقصر نمی‌شناسد». در پایان این بیانیه از مردم خواسته شده است که در انتخابات شرکت کنند.

• «جامعه روحانیت مبارز» نیز با انتشار بیانیه‌ای ضمن اعلام اسامی نامزدهای مورد حمایت این جامعه، از مردم خواست تا در انتخابات شرکت کنند. نامزدهای «جامعه روحانیت» که نهاد وابسته به جناح راست رژیم است، از جمله در تهران عبارتند از: ۱- هاشمی رفسنجانی، مشکینی، یزدی، امامی کاشانی، جنتی، رضوانی، محمدی گیلانی، اسدی خوانساری، انواری، مومن، راستی کاشانی، مصباح یزدی، استادی، خرازی، دری نجف آبادی و ری شهری.

• بر اساس آخرین گزارش‌های رسیده از ایران، کارزار تحریم انتخابات، که از جمله در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما نیز منعکس است، هر روز ابعاد وسیع تری می‌گیرد و پیش بینی می‌شود که اکثریت عظیم مردم در این نمایش فرمایشی شرکت نکنند. بسیج وسیع سپاه پاسداران، بسیجی‌ها و مزدوران رژیم برای به میدان آوردن آنها در روز انتخابات، با هدف پنهان کردن تحریم وسیع احتمالی توده‌ها در حال تدارک است.

پس از حذف بیش از دویست نفر از نامزدهای انتخاباتی مجلس خبرگان، بسیاری از رسانه‌های مجاز کشور به صورت مستقیم و غیر مستقیم به عملکرد شورای نگهبان اعتراض کردند. آتش دستپخت شورای نگهبان آقدر شور بود که بگفته برخی از حذف شدگان، در میان نامزدهای باقی مانده، صد و بیست نفر خودی و تنها ده نفر غیر خودی [از جناح مقابل] باقی مانده‌اند. جناح راست، در یک کارزار حساب شده تبلیغاتی، برای مقابله با کارزار روبه گسترش تحریم این نمایش فرمایشی، که هدفی جز تأیید مجدد خامنه‌ای به عنوان «ولی فقیه» ندارد، شرکت در انتخابات خبرگان را یک وظیفه «شرعی» اعلام کردند.

• سید علی خامنه‌ای، در سخنانی که روز چهارشنبه، پانزدهم مهرماه، در حضور «جهادگران» جهاد سازندگی ایراد کرد، گفت: «الان ببینید تمام رادیوهای بیگانه و مطبوعات خارجی و خبرگزاری‌ها، دست به دست هم داده‌اند برای این که انتخابات مجلس خبرگان را سست کنند... امروز صرف نظر از اینکه چه کسی از صندوق رأی بیرون خواهد آمد، چه کسی انتخاب خواهد شد و چه کسانی مسئولیت را بردوش خواهند گرفت، باید همه در انتخابات شرکت کنند. من در انتخابات ریاست جمهوری هم همین را به مردم گفتم... همه جناح‌های سیاسی در کشور بایستی به این نکته توجه کنند. کسانی که به نظام معتقدند؛ حالا اسم خودشان را هرچه می‌گذارند - بنده که به این تعبیرات چپ و راست و اینها هیچ اعتقادی ندارم... مسایل خطی و درگیری‌های برادر با برادر را فعلاً کنار بگذارند».

• هاشمی رفسنجانی، نیز در سخنان دوهللو و حساب شده‌ای، که روز پنجشنبه ۱۶ مهرماه، در روزنامه اطلاعات درج شد، در گفت و گو با رسانه‌های داخلی، ضمن دفاع از نقش شورای نگهبان در حذف گروه کثیری از نامزدهای انتخاباتی، گفت: «من تعصبی روی هیچ یک از قوانین ندارم. ولی الان قانون است و شل کردن قانون به نفع هیچ کس نیست که ما کاری کنیم که مردم را بی توجه و بی اعتنا کنیم... برای انجام وظیفه ملی و اسلامی مان، راهی جز شرکت در انتخابات خبرگان نداریم... فکر نمی‌کنم جایی حساس تر از مجلس خبرگان در نظام وجود داشته باشد...»

• آیت الله طاهری، نماینده ولی فقیه و امام جمعه اصفهان، در نامه سرگشاده‌ای، خطاب به فقهای شورای نگهبان، که در ابعاد بسیار گسترده‌ای، در اصفهان پخش شد و در رسانه‌های مجاز کشور انعکاس یافت، ضمن اعتراض شدید به شورای نگهبان و عملکرد آن از جمله گفت: «اینجانب علی‌رغم اینکه شما بزرگواران را بدیانت و دلسوزی برای اسلام، از دیر زمانی است که می‌شناسم، ولی نتیجه بررسی صلاحیت‌های داوطلبان را شایسته چنین



برخورد های نظامی در مرز های ایران و افغانستان فاجعه‌ئی که نزدیک تر می شود

در روزهای اخیر، خبرگزاری‌های جهان، به نقل از منابع نظامی ایران، خبر از درگیری‌های محدود نظامی میان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و نیروهای نظامی طالبان دادند. بر اساس این گزارش‌ها، در پی آتش‌گشایی طالبان، جمهوری اسلامی نیز به اقدامات تلافی‌جویانه دست زد، و مواضع طالبان را با سلاح‌های سنگین زیر آتش گرفت. تمرکز بیش از دویست هزار نیروی مسلح جمهوری اسلامی در کنار صدها تانک، سلاح‌های سنگین و هواپیمای‌های جنگی، مرزهای شرقی ایران را به شبکه باروت بسیار خطرناکی تبدیل کرده است که کوچک‌ترین جرقه‌ئی، از جمله درگیری‌های کوچک اخیر، می‌تواند فاجعه تمام عیاری را برای سال‌ها بر مردم مینماید. سخنان فرماندهان سپاه، مبنی بر آمادگی ایران برای درهم کوبیدن طالبان در عرض چهل و هشت ساعت، حاکی از تفکری بسیار خطرناک و ضد ملی است که در مرزهای شرقی ایران و در رسانه‌های گروهی و اینستا به ارتجاعیون، به شدت تبلیغ می‌شود. حزب توده ایران بار دیگر، ضمن محکوم کردن درگیری‌های اخیر نظامی، هشدار می‌دهد که باید با تمام توان، و بسیج نیرو در سطح کشور، و در سطح بین‌المللی از شعله‌ور شدن جنگ خانمان سوز و فاجعه‌بار دیگری، جلوگیری کرد.

علل واقعی دستگیری دست اندرکاران روزنامه «توس»

پس از هفته‌ها ادعاهای گوناگون پیرامون علل دستگیری دست اندرکاران روزنامه توس، از جمله توهین به «مقدسات» رژیم و درج مصاحبه‌ئی پیرامون مدت اقامت خمینی در پاریس و تقاضای پناهندگی او از دولت فرانسه، قربانعلی دری نجف آبادی، وزیر اطلاعات و امنیت رژیم، در سخنانی که روز ششم مهرماه توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی مخابره شد، پرده از علل واقعی این دستگیری‌ها برداشت. به ادعای نجف آبادی «برخی از کسانی که اخیراً در رابطه با مطبوعات دستگیر شده‌اند، بدنای جمهوری سوم هستند که در حقیقت مثل اینکه آنان دولت فعلی را پلی تصور می‌کنند که می‌توانند از طریق آن به هدف‌های خودشان برسند». به گفته نجف آبادی «در واقع اینها افرادی بازی خورده‌اند

که فکر می‌کنند زمانی جمهوری سوم فرا می‌رسد که در آن تنها جمهوری باشد و اسلام فقط به یک مسأله فردی تبدیل شود.» وی در تهدید مجدد مطبوعات، و در تأیید سخنان خامنه‌ای برای تشدید جو سرکوب، افزود «مطبوعات وظیفه روشنگری افکار و پاسداری از ارزشها، دفاع از آزادی، استقلال و عزت ملت را برعهده دارند و می‌توانند نقش پیشرو را در هدایت افکار عمومی در صورتی که خوب عمل کنند داشته باشند. شرط اساسی برای این کار اینست که مطبوعات حرمت قلم را پاس داشته، تحت تأثیر بیگانگان قرار نگیرند و آزادی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی را پاس بدارند.» بر اساس آخرین گزارش‌های رسیده، گزمگان ارتجاع تاکنون اجازه نداده‌اند دستگیر شدگان با خانواده‌های خود دیدار کنند. در تهران همچنین گفته می‌شود که دستگیر شدگان، زیر فشارهای شدید شکنجه‌گران برای «اعتراف» در چارچوب‌های از پیش تعیین شده و تأیید «اقدام» خود «علیه امنیت ملی» هستند.

ادامه جنبش دانشجویی در مقابل ...

اقدام به صدور اعلامیه کرده اند. برای نخستین بار، در سال های اخیر، شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، در همایش های دانشجویی گوناگون تکرار می گردد، و جنبش دانشجویی، با وجود تهدید های سران رژیم، از جمله شخص «ولی فقیه»، اراده خود را به ادامه مبارزه برای دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی، اعلام کرده است. از نمونه های جالب این حرکت ها، که فقط منحصر به تهران نیست و در شهرهای دیگر کشور، از جمله اصفهان، مشهد، تبریز و ... نیز تکرار گردیده است، از جمله می توان به اجتماع «جامعه اسلامی دانشجویان»، در مقابل دانشگاه تهران، و همایش «دفتر تحکیم وحدت» اشاره کرد.

● در اجتماع بزرگ «جامعه اسلامی دانشجویان»، در مقابل دانشگاه تهران، که در روز دوشنبه سیزدهم مهرماه برگزار شد، دانشجویان خواهان «اصلاح پیش نویس آیین نامه جدید فعالیت های اسلامی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دانشگاهیان» شدند. شهاب اسفندیاری، عضو شورای مرکزی و دبیر «جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه هنر»، در سخنرانی خود از جمله گفت: «در آیین نامه جدید دادگاه ها و محاکمه هایی برای مقابله با فعالیت برخی تشکل ها و حتی مجازات آنها، پیش بینی شده که این امر برخلاف قانون اساسی است.» به گفته او با تغییر رؤسای ۵۹ دانشگاه و دانشکده، «کودتای خزنده ای» در حال شکل گیری است. اسفندیاری همچنین با اشاره به جو فشار و تضییقات به «تفتیش عقاید در دانشگاه های کشور» شدیداً اعتراض کرد و خواهان برخورد دولت با این مسأله شد. این تجمع بزرگ دانشجویی، پس از یک ساعت، با شعار «استبداد و انحصار دشمن دانشگاه است، جنبش دانشجویی از هردو بیزار است!» به آرامی پایان یافت.

● همچنین در جلسه گفت و گوی آزادی که با حضور شمار کثیری از دانشجویان، روز دوشنبه سیزدهم مهرماه، در دانشگاه امیر کبیر برگزار شد، دانشجویان به شدت به موج سرکوب دگراندیشان، از جمله دستگیری روزنامه نگاران روزنامه «توس» اعتراض کردند. یکی از سخنرانان جلسه و عضو «انجمن اسلامی دانشگاه امیر کبیر»، از جمله گفت که: گروهی خارج از دانشگاه سعی می کنند با عنوان کردن این مسأله که «دانشجو نیاز به قیم دارد»، استراتژی تشنج زایی را در دانشگاه ها پیش ببرند.

یکی دیگر از دانشجویان گفت که: متوسل شدن به خشونت از سوی برخی گروه ها در قبال مسایل اجتماعی بشدت محکوم است. به گفته این دانشجو: «گروهی مایلند [از جمله ولی فقیه و مدافعان ذوب در ولایت] با رواج روحیه نظامی گری و گسترش تشکل های نظامی در دانشگاه ها، فعالیت های دانشجویی را در چارچوب های خاص محدود کنند، ولی این گروه باید بدانند که روحیه میلناریستی با روحیه پویا و جویای حقیقت هیچگونه هماهنگی ندارد.» شمار وسیعی از دانشجویان شرکت کننده در این میزگرد، در مصاحبه با روزنامه های مجاز، از جمله روزنامه همشهری، «تصویب طرح ایجاد بسیج دانشجویی» را یک حرکت ضد دانشجویی دانستند و اعلام کردند «برپایی هرگونه تشکیلات نظامی در محیط های غیر نظامی دانشگاه وفاق و وحدت نظر دانشجویان در امور مختلف اجتماعی را زیر سؤال خواهد برد.»

● روز چهارشنبه، پانزدهم مهرماه، هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه تهران به دعوت «دفتر تحکیم وحدت»، در مقابل درب شرقی دانشگاه تهران، تقاطع خیابان طالقانی، تجمع کرده و اعتراض خود را بر ضد عملکرد نیروهای ارتجاعی اعلام کردند. این تجمع که با عنوان «آزادی، امنیت و مشارکت ملی»، برگزار می شد، توسط گروهی از چماقداران رژیم، و در حضور نیروهای

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

رأی دادن در انتخابات مجلس خبرگان، رأی دادن به ادامه رژیم استبدادی «ولایت فقیه»، رأی دادن به سرکوب آزادی و عدالت خواهی، رأی دادن به انحصار طلبی و رأی دادن به سلب حقوق مردم ایران است!

هم مینان آگاه و مبارز!

انتخابات مجلس خبرگان رهبری جمهوری اسلامی در آبان ماه ۱۳۷۷، برگزار خواهد شد. این انتخابات در اوضاعی در کشور ما برگزار می شود که، در هفته های اخیر، نیروهای ارتجاعی حاکم، به فرمان «ولی فقیه»، تعرض گسترده ای برای خفه کردن هرگونه صدای مخالفی با استبداد و ارتجاع را آغاز کرده اند. دستگیری روزنامه نگاران دگراندیش، بستن روزنامه ها، مجلات و تهدید نیروهای مخالف، و در واقع اکثریت عظیم مردم مینان ما به سرکوب خشن و خونین، و به قول فرمانده نیروی سرکوب رژیم، «گردن زدن» و «زبان بریدن» مدافعان آزادی و عدالت اجتماعی، در کنار ایجاد تنش های خطرناک و کوبیدن بر طبل جنگ، در مرزهای شرقی ایران، همه بخشی از توطئه بزرگ نیروهای ارتجاعی و مدافع استبداد، برای متوقف ساختن حرکت وسیع مردمی است که در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ آغاز شد و با خواست استقرار آزادی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم استبدادی «ولایت فقیه»، قدرت تعیین کننده خود را نشان داد.

سردمداران استبداد و ارتجاع، از جمله «ولی فقیه»، شورای نگهبان، رهبری مجلس شورای اسلامی و رهبری کنونی مجلس خبرگان، در حالی که اکثریت قاطع نامزدهای مخالف خود در جناح دیگر حاکمیت جمهوری اسلامی، از جمله اکثر نزدیکان سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، را، از شرکت در این انتخابات محروم کرده اند، و در عین حال می خواهند با ترغیب و کشاندن مردم به شرکت وسیع در انتخابات، این نمایش فرمایشی و ضد دموکراتیک را به رفراندومی در دفاع از «ولایت فقیه» و شخص «ولی فقیه»، سید علی خامنه ای، تبدیل کنند.

افزون بر این، حزب توده ایران معتقد است که، اصولاً مجلس خبرگان رهبری نهادی است که در مخالفت و تضاد آشکار با خواست های اکثریت عظیم مردم شرکت کننده در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایجاد شده، و تنها هدفش حفظ حاکمیت سیاسی انحصاری روحانیت در ایران است. این نهاد ناقض اصل حاکم بودن مردم بر سرنوشت خویش است و بنابراین نمی تواند مورد تأیید هیچ نیروی مردمی و مدافع آزادی و عدالت باشد. مجلس خبرگان رهبری، بدین هدف پایه ریزی شد تا ادامه کاری رژیم «ولایت فقیه» تأمین گردد. مجلس خبرگان رهبری بدین قصد تشکیل می شود، تا گروهی از روحانیون، از میان خود، شخصی را انتصاب کنند که به نمایندگی و بنابه مصالح واپسگرایترین نیروهای اجتماعی، بویژه بازاریان «محترم»، تمامی امور مملکت را، از تعیین خطوط کلی سیاست داخلی و سیاست خارجی، تا نظارت بر تمامی سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه را در اختیار داشته باشد. این شکل حکومتداری، چیزی جز استبداد قرون وسطایی فردی و واپسگرا نیست که هیچ همخوانی با آزادی و اصل حاکم شدن مردم بر سرنوشت خویش نمی تواند داشته باشد.

کارنامه رژیم «ولایت فقیه»، روشن ترین سند محکومیت این دیکتاتوری و «نظامی» است که، نه تنها نتوانسته است به هیچ یک از خواست های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم ما پاسخ بگوید، بلکه با اعمال سیاست های ضد ملی و ضد مردمی، ایران را با وجود منابع عظیم طبیعی، به کشوری ورشکسته، محتاج و متکی به غیر تبدیل کرده است که اکثریت عظیم شهروندان از فقر، محرومیت، بیکاری، ظلم و فساد بی سابقه دستگاه های اجرایی و ناهنجاری ها و فشارهای طاقت فرسای اجتماعی و اقتصادی در رنج و عذابند. بر این کارنامه سیاه، سرکوب خشن و خونین آزادی و کشتار هزاران آزادی خواه و دگراندیش (مذهبی و غیر مذهبی) را باید افزود تا روشن شود چرا امروز اکثریت عظیم مردم مینان ما خواهان پایان یافتن رژیم استبدادی «ولایت فقیه» و حرکت به سمت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی اند. با توجه به این ارزیابی از اوضاع کشور است که حزب توده ایران اعتقاد دارد: رأی دادن در انتخابات مجلس خبرگان، رأی دادن به ادامه رژیم استبدادی «ولایت فقیه»، رأی دادن به سرکوب آزادی و عدالت خواهی، رأی دادن به انحصار طلبی و رأی دادن به سلب حقوق مردم ایران است.

هم مینان گرامی!

تحریم وسیع و قاطع انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ادامه مبارزه درخشان و گسترده ای است که شما در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، با رأی بیست میلیون خود بر ضد نامزد «ولی فقیه»، در انتخابات ریاست جمهوری، آغاز کردید. مجلس خبرگان رهبری، یک نهاد ضد مردمی است که هیچگونه مشروعیتی نزد مردم مینان ما نمی تواند داشته باشد. مبارزه برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، ارتباطی عمیق و گسست ناپذیر با طرد رژیم «ولایت فقیه» در مینان ما دارد. با تحریم این نمایش فرمایشی، گام جدی دیگری در راه طرد استبداد و ارتجاع از مینان ما می توان برداشت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ مهرماه ۱۳۷۷

سخنی کوتاه در باره:

عملکرد و برنامه اقتصادی جمهوری اسلامی در شرایط کنونی

تشدید بحران اقتصادی، به ویژه ورشکستگی مالی دولت، سران و مسئولان بلند پایه رژیم را در برابر چالشی بزرگ قرار داده است. وضعیت چنان دشوار است که برخی از رهبران رژیم ولایت فقیه، آن را خطرناک خوانده و نسبت به پیامدهای آن هشدار داده اند. کسری بودجه دولت رقمی بالغ بر ۲۳۰۰۰ میلیارد ریال ذکر گردیده است. با توجه به شرایط ناگوار و بحرانی اقتصاد کشور، پیش نویس متمم بودجه، پس از طرح در هیات دولت، برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. وخامت اوضاع به حدی است که دولت به مجلس اطلاع داده است که اگر متمم بودجه، که در واقع افزودن رقمی معادل شش میلیارد دلار به لایحه بودجه است، تصویب نگردد، دولت توان پرداخت حقوق کارمندان خود را نخواهد داشت.

چندی پیش علی مزروعی، مشاور اقتصادی خاتمی، طی سخنرانی خود در شهر گرگان یادآور شده بود: «... با کاهش قیمت نفت، تنها ۹ میلیارد دلار درآمد محقق خواهد شد... برای جبران کسری بودجه دولت در بخش هزینه های جاری به دلیل حجیم بودن تشکیلات دولت قدرت انعطاف زیادی ندارد و مجبور است بخش عمده کسری بودجه را هزینه های عمرانی جبران کند... که این مساله سبب کاهش سطح اشتغال و در نتیجه رکود خواهد شد...» از سوی دیگر، روزنامه رسالت نیز در گزارشی پیرامون کسری بودجه ۲۳۰۰۰ میلیارد ریالی، نوشت که دولت قصد دارد از سه طریق الف- پیش فروش حج، ب- پیش فروش نفت و ج- استقراض از بانک مرکزی، کسری خود را جبران کند. بحران اقتصادی بیش از همه، برگرد مردم وزحمتکشان سنگینی می کند. روزنامه اطلاعات مورخه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۷۷، که خبر بالا رفتن شاخص بهای عمده فروشی کالاها را اعلام می کرد، گزارش داد: «در گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در مرداد ماه سال جاری در مقایسه با ماه پیش از آن دو درصد افزایش داشته و در مقایسه با ماه مشابه در سال گذشته ۱۰/۸ درصد افزایش نشان می دهد... در مجموع شاخص بهای گروه مواد خوراکی در مردادماه سال جاری ۱۹/۶ درصد بالاتر از سال قبل قرار گرفت...»

در برابر این شرایط حاد و بحران مزمن، مجموعه حاکمیت، در تبادل نظر و توافق با یکدیگر، طرح سامان دهی اقتصادی را ارائه کرده اند. این طرح، از آنجا که با صلاحدید جناح های مختلف تهیه و تدوین شده، پراز تناقض بوده، از صراحت لازم برخوردار نیست، و ابهام ها و کلی گویی، در آن فراوان به چشم می خورد. لازم است همین جا تاکید کنیم که، به اعتقاد حزب ما، اصول مندرج در این طرح و خطوط عمده آن نظیر خصوصی سازی و غیره، تفاوت چندانی با سیاست تعدیل اقتصادی ندارد، و به همین جهت برخی کلی گویی های آن درباره عدالت اجتماعی، مهار تورم و رشد تولید، با توجه به تجربیات دهسال گذشته، از محدوده شمار فراتر نخواهد رفت. ما این طرح را کاملاً غیر عملی و فاقد زمینه لازم برای برون رفت از بحران ژرف اقتصادی ارزیابی می کنیم. این واقعیت، حتی از چشم برخی مسئولان رژیم دور نمانده است. حسین نمازی، وزیر اقتصاد، در مصاحبه ئی به تاریخ ۲۰ مردادماه سال جاری، در این خصوص اعلام داشت: «برخی تصور می کنند که طرح سامان دهی اقتصادی به سرعت گشایشی در وضعیت کنونی به وجود می آورد. اما اینطور نیست، این طرح، سیاست دولت را در مورد مسایل اقتصادی روشن می کند و تلقی این طرح به عنوان یک برنامه، اشتباه است.» از آنجا که به گفته وزیر اقتصاد، این طرح، سیاست رسمی دولت در مسایل اقتصادی است، پس باید دید مضمون و ماهیت این سیاست چیست و سمت گیری آن چگونه است؟! برای به دست آوردن تعریفی مشخص از مضمون و سمت گیری طرح فوق، توجه به سخنان وزیر اقتصاد، وزیر بازرگانی، مشاوران ارشد خاتمی در امور اقتصادی، و دیگر مقامات رسمی رژیم ولایت فقیه ضرورت دارد! نمازی، وزیر اقتصاد، در جریان جلسه شورای عالی سامان دهی اقتصادی، که در اواسط مردادماه امسال به ریاست خاتمی تشکیل شد، در این باره گفته است: «با توجه به نقطه نظرات رئیس جمهوری در طرح سامان دهی اقتصادی هم خصوصی سازی و هم اعطای یارانه پیش بینی شده است و این دو هیچ تناقضی با یکدیگر ندارند... لایحه اصلاح ساختار مالیاتی، طرح اشتغال و لایحه قانون سرمایه گذاری خارجی در راستای طرح سامان دهی اقتصادی تدوین شده و بزودی تقدیم هیات دولت می شود...» (اطلاعات، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۷۷).

به ترتیبی که چارچوب و محتوی طرح سامان دهی، توسط وزیر اقتصاد بازگو شده است، خصوصی سازی و جذب سرمایه خارجی دو محور عمده و اصلی طرح را تشکیل می دهند. اعطای یارانه، ایجاد اشتغال و غیره، البته صرفاً به منظور رد گم کردن عنوان گردیده و کاملاً بی پشتوانه اند. در جریان همایش صادرات کشور، که چندی پیش در

وقتی که تاریخ قضاوت می کند! آیا خامنه ای به یاد دارد که...

پس از سقوط شهر بامیان و قتل عام مردم بی دفاع این شهر بوسیله باند جنایتکار طالبان، علی خامنه ای، ولی فقیه جمهوری اسلامی، در پیامی ضمن محکوم کردن طالبان، پاکستان و ارتش این کشور، از جمله گفت: «... اکنون آنچه در مرکز افغانستان در مناطق هزاره نشین استان بامیان شروع شده، بنا به خبرهایی که می رسد به مراتب وحشتناک تر از جنایت های گذشته است... هواپیماهای ارتش پاکستان نیز در قتل و ویرانی بامیان شرکت داشته اند... قسمتی از ارتش پاکستان در خدمت به کمپانی های نفتی بر سرزن و مرد و کودک بامیان بمب و آتش می ریزند... نگذارید آن بخش ارتش پاکستان که بذر ناآرامی را در منطقه می باشد، به آتش افروزی ادامه دهد...»

خامنه ای در شرایطی این پیام را صادر کرده است که، در زمانی کمتر از یک ماه پیش از آن، مرتباً از کشورهای مسلمان همسایه، پاکستان و ترکیه، تعریف و تمجید می کرد، و اصولاً وی از زمره آن رهبران جمهوری اسلامی است که از ابتدای به قدرت رسیدن، روابط با کشورهای مانند پاکستان و ترکیه را گسترش بخشیده است، و حقوق و منافع مردم میهن ما را به جیب نظامیان افراطی و سرمایه داران این دو کشور «برادر مسلمان» سرازیر کرده اند.

از این رو جالب است، که برای قضاوت مردم و افشای فریبکاری سران رژیم آنچه را که تاریخ با صحت و صداقت در سینه خود محفوظ داشته، بازگو کنیم. این رویدادی است که بی شک خامنه ای، آن را خوب بخاطر می آورد، و به دوران جنگ و زمانی مربوط است که زنده یاد رفیق دکتور ناخدا بهرام افضلی، این قهرمان دفاع از خاک میهن و انسان بزرگوار، فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران بود. در اوایل سال ۱۳۶۱ خورشیدی، هیاتی از نیروی دریایی به ریاست ناخدا بهرام افضلی رهسپار هند شد، و ضمن بازدید از مراکز و کارخانه های این کشور، قرار دادی را برای تعمیرات و بازسازی ناوهای رزمی ارتش به امضاء رساند. این قرارداد کاملاً به سود ایران بود، زیرا براساس آن، علاوه بر تعمیرات ناو شکن های سام و زبال، پرسنل آن نیز به هند می رفتند و از نزدیک با متخصصان هندی همکاری کرده و دانش فنی لازم را کسب می کردند. هدف ناخدا افضلی از عقد چنین قراردادی، تامین استقلال فنی و تکنیکی نیروی دریایی بود.

پس از عقد این قرارداد، فرماندهان نیروی دریایی و در راس آنها ناخدا افضلی، در بازگشت به ایران، به دیدار خامنه ای، که رئیس جمهوری بود، رفتند. آقای خامنه ای در این دیدار تاریخی، با امضاء قرارداد استقلال فنی نیروی دریایی با کشور مستقل و دوست، هند، مخالفت کرد و خطاب به ناخدا افضلی گفت: «چرا هند؟ چرا به ترکیه نمی روید، هند یک کشور وابسته است...»

ناخدا افضلی با شنیدن این سخنان، با شجاعتی غرور انگیز، در پاسخ به خامنه ای این جمله را یادآور شد: «... آقای خامنه ای شما ترکیه را که عضو ناتو است وابسته نمی دانید ولی هند را وابسته می دانید... ترکیه و پاکستان دو کشوری هستند که ما باید هوشیار باشیم، ما نباید فریب [این دو کشور] را بخوریم...» سپس رفیق شهید افضلی اضافه کرد: «... قبل از آغاز جنگ، پاکستان از حمله عراق به ایران اطلاع داشته، وابسته نظامی و سفیر پاکستان در ایران مرتباً فشار می آوردند، که ناوهای بزرگمان را بفرستیم در کارخانه های بندر کراچی تعمیر شود، من متوجه شدم نیرنگی در کار است، وقتی جنگ شروع شد، فهمیدم که پاکستان درصدد بوده است که ناوهای نیروی دریایی ما را در بندر کراچی محبوس کند تا ما نتوانیم در دریا مقاومت کنیم و راه صدور نفت بسته می شد. آقای خامنه ای شما می دانید که اگر در دریا برتری نداشتیم، در زمین مشکلات زیادی داشتیم، بنادر ما مسدود می شد، سلاح نمی رسید، آذوقه نمی رسید، وسایل و مواد اولیه نمی رسید، چون ما کشور وارد کننده هستیم. اگر در جنگ پیروزی هایی به دست آورده ایم بخاطر برتری نیروی دریایی و نقش نیروی دریایی است...»

خامنه ای در برابر سخنان شورانگیز رفیق افضلی، که با تایید فرماندهان نیروی دریایی همراه بود، ساکت شد و فقط خنده ای موزیانه کرد. اما او و رفسنجانی و دیگران، مانع اجرای قرارداد با هند شدند و روابط با پاکستان و ترکیه گسترش یافت.

خامنه ای در دوران جنگ و پس از آن، از مدافعان همکاری نزدیک با پاکستان بود. یکبار دیگر در فروردین ماه سال ۱۳۶۲ خورشیدی، یعنی یک ماه پیش از دستگیری رفیق افضلی، وی به همراه فرماندهان نیروی دریایی دیدار دیگری با خامنه ای برگزار کرد. فرماندهان نیروی دریایی در این دیدار، سخنان مسبوطی ایراد کرد که در بولتنی از سوی نیروی دریایی چاپ و منتشر شده است. او از جمله تأکید کرد: «برابر اطلاعات موثق توطئه ای وسیع از سوی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بویژه امارات متحده عربی و پاکستان علیه ایران در حال برنامه ریزی و تدارک است.» در پاسخ به این سخنان، خامنه ای باز هم از پاکستان دفاع کرد.

این دو خاطره یادآوری مناسبی است تا چهره کسانی مانند خامنه ای را که اکنون از پاکستان به دلیل نقض امنیت ملی ایران «گله گذاری» و «شکایت» می کنند، افشاء سازد.

ادامه در صفحه ۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

ادامه سخنی پیرامون عملکرد...

گذاری، اعتقاد و اعتماد به بخش غیر دولتی و تغییرات در ساختار سپرده های ارزی ست... البته در بعضی قسمت ها تضاد می بینیم، از جمله اینکه اعطای اعتبارات بانک ها به بخش خصوصی... در این بخش می بینیم که ذکر شده بانک ها کاملاً در مالکیت دولت بمانند که این مساله با آن بخش که می گوید بانک ها آزادانه حق دارند اعتبارات لازم را در اختیار بخش تولید امم از ساختمان و یا بازرگانی بگذارند در تضاد است... (کبهان، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۷۷). آیا می توان تفاوت عمده و چشمگیری بین این مواضع اتاق بازرگانی با عملکرد مسئولان اقتصادی دولت جمهوری اسلامی قایل شد؟! آیا تضادی را که عسگر اولادی، این چهره منصور ولایت فقیه در طرح، بر روی آن انگشت می گذارد، همان مطلبی نیست که نوبخش رئیس بانک مرکزی تحت عنوان بانک غیر دولتی «تعاون»، عنوان می کند؟! آنچه به عنوان تفاوت می توان برجسته ساخت عبارتست از اینکه، وزرا و مسئولان حکومتی مدافع سیاست گام به گام و حرکت آهسته اند، زیرا از عواقب اجتماعی سیاست اقتصادی «آزادی بازار» و یا به عبارتی نولیبرالیسم می هراسند، اما گردانندگان اتاق بازرگانی هوادار اقدام ضربتی به هر بهایی هستند.

برای آنکه صحت و درستی نظرات حزب توده ایران در این زمینه، به لحاظ دقت علمی آن، روشن گردد، توجه به سخنان یکی از شرکت کنندگان میزگرد بررسی طرح ساماندهی اقتصادی مهم است. این شرکت کننده، یک مقام حکومتی نیست بلکه صرفاً عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران است. این شخصیت دانشگاهی در امور اقتصادی، از نقطه نظر دانش اقتصاد و در باره طرح ساماندهی، بدرستی می گوید: «وقتی از عدالت اجتماعی صحبت می شود و تحت عناوین حفاظت از سید هزینه خانوارها و کنترل قیمت کالاهای اساسی مردم، آنچه مهم است مکانیزم های اجرایی آن است، نه صرفاً اعلام موضوع و صرفاً اعلام آن... نگاه و هسته اصلی برنامه ساماندهی حل شدن در نظام اقتصادی جهانی و همان مفهوم GLOBAL-SATION [جهانی کردن] است که امروزه از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و دیگر ارگان های ذینفوذ مالی روی آن تأکید می شود» (کبهان، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۷۵). اینهاست محتوی عملکرد و برنامه اقتصادی جمهوری اسلامی. بدون شک همانند تجربه تلخ اجرای سیاست تعدیل اقتصادی در دوران رفسنجانی، اجرای طرح ساماندهی نیز اثرات و پیامدهای شوم و ناگوار به همراه خواهد داشت. حزب ما، به دفعات و کراراً اعلام داشته است، که اجرای فرامین و دستورات نهادهای قدرتمند سرمایه داری، مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، از آنجا که با واقعیت های جامعه ایران و منافع مردم بیگانه اند، جز فقر، عقب ماندگی و وابستگی اقتصادی نمره دیگری نخواهند داشت. مشکل، برخلاف تبلیغات مردم فریبانه رژیم ولایت فقیه، در حضور دولت در عرصه های اقتصادی و تولیدی نیست. معضل جامعه، ساختار سیاسی پوسیده و واپس مانده ئی ست به نام ولایت فقیه که فساد مالی و رواج اقتصاد دلالتی نتیجه آن است. خصوصی سازی افسار گسیخته، و سمت گیری اقتصاد بازار برای کشور ما فاجعه بار بوده و خواهد بود. ماهیت و محتوی سیاست اقتصادی رژیم ولایت فقیه در تقابل با منافع مردم قرار دارد.

ادامه آزادی های بی حد و مرز ...

ادامه وقتی که تاریخ قضاوت ...

افضلی قهرمان، به دلیل وفاداری به میهن و انقلاب و خدمت به مردم، سالهاست که اعدام شده است. پرونده سازی بر ضد او تحت عنوان «جاسوس»، با همیاری و همکاری نزدیک سرویس های امنیتی پاکستان صورت پذیرفت. همان سرویس هایی که امروز، با نقشه های جنگ افروزان آنها، هواپیماهای پاکستانی مردم بی دفاع بامیان را به آتش می کشند و در مزار شریف دیپلمات های ایرانی و هزاران افغانی را وحشیانه به قتل می رسانند.

آنچه به عنوان یادآوری ذکر شد، به خوبی چهره ضد ملی و مردم ستیز سران رژیم را افشاء می کند. باید یادآوری کنیم، سخنان «داغ» و «خصمانه» رهبران جمهوری اسلامی، به ویژه خامنه ای، صرفاً یک جوسازی است. برای اینان منافع ملی ایران اهمیتی ندارد. سیاست و هدف حضرات از تبلیغات جنگ افروزان، خاموش ساختن صدای اعتراض مردم و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور است. این تبلیغات مصرف داخلی دارد. به یاد داشته باشیم، برای رژیم ولایت فقیه، هیچ مساله ای، از جمله منافع ملی، حیثیت، غرور ایرانیان و آینده مردم و کشور اهمیت ندارد. برای این نوکیسه گان، حفظ نظام برای چپاول ثروت ملی بیگانه هدف است.

ادامه میلیون ها تن از کارگران ...

روسیه با حزب کمونیست فدراسیون روسیه بود. حمایت فعال فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل روسیه، که بین چهل تا پنجاه میلیون عضو دارد، از جبهه مخالفان دولت در مبارزه برای مجبور کردن یلتسین به استعفا، و ایجاد شرایط مساعد برای جهت گیری مثبت و مردمی در سیاست های اجتماعی - اقتصادی روسیه، اهمیت کلیدی و تعیین کننده دارد. نکته کلیدی در اوج گیری جنبش اخیر ضد سرمایه داری در روسیه اینست که یلتسین، به دلیل تعمیق شدید بحران و نارضایتی بی سابقه توده ها، در موضع بسیار ضعیفی قرار گرفته است، و جنبش مترقی و اپوزیسیون با اعتماد به نفس بیشتری، مبارزه خود را به پیش می برند.

ادامه جنبش دانشجویی در مقابل ...

انتظامی، مورد حمله قرار گرفت. میثم سعیدی، یکی از اعضای مرکزی «شورای انجمن های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت)»، در سخنان خود، با اشاره به «مقدماتی چون آزادی، امنیت و مشارکت و وفاق ملی» به عنوان مولفه های بسیار مهم توسعه گفت: «امنیت را نباید فقط با تکیه بر مولفه های نظامی جستجو کرد.» سعیدی، در ادامه سخنان خود، در دفاع از آزادی مطبوعات و محکوم کردن جو خفقان افزود: «مطبوعات به منظور ایجاد هماهنگی بین بخشهای مختلف جامعه باید از آزادی لازم برخوردار باشند... این روزها نقد و انتقاد نسبت به بعضی از نهادها یا مسئولین، حمله به مقدسات تلقی می شود.» وی در بخشی دیگر از سخناناش، با تصریح محکوم بودن شکنجه از نظر قانون اساسی خواستار پیگیری پرونده مسئولان شکنجه مدیران شهرداری شد.

مهاجرانی در گفت و گوی اختصاصی با روزنامه لبنانی «السفیر»، در پاسخ به پرسش هایی پیرامون اوضاع داخلی کشور و سخنان خامنه ای و حمله او به مطبوعات، از جمله گفت: «اگر من عضو هیات منصفه بودم نظر به تعطیلی روزنامه توس می دادم... این روزنامه به جای روشن کردن افکار عمومی، اوضاع سیاسی را بحرانی کرد... سرپرستان و مدیران این روزنامه تعدادی از نویسندگان و روزنامه نگاران را گرد خود جمع کردند که بعضی از آنها از نویسندگان زمان شاه سرنگون شده هستند، که به آنها اجازه نوشتن مقالات و تحلیل هایی دادند که بر برخی اصول و مبانی و ارزش های دینی مورد اعتقاد مردم شبهه وارد می ساخت و برخی از مراجع دینی را مورد اهانت قرار دادند... آنها وارد بحث و گفت و گویی شدند و تشنج و بحران در امور سیاسی ایجاد کردند، آنها همانند کسی بودند که درخت نوپای آزادی و شاخه های آن را می شکستند... آنها به یک بازی خطرناک دست زدند و از جمله آنها گروه توس بودند، چون سعی کردند، خودشان را به عنوان طرفداران خاتمی جلوه دهند، در حالیکه گروه توس در واقع سخنگوی نهضت آزادی ایران به ریاست ابراهیم یزدی شده بود. آنها شدیدترین اصطلاحات و تعبیر تحریک آمیز را به کار بردند و در مورد رئیس جمهوری نوشتند، جناح محافظه کار دست راستی شکست خورده و در انتخابات نیز شکست سختی خورده و از میدان فعالیت سیاسی خارج شده است و بنابراین شروع به تضعیف جناح خاتمی و از جمله ما در گروه کارگزاران سازندگی کردند تا بر قدرت مستولی گردند... آنها تعبیری به کار بردند که خاتمی را همانند گارباچف جلوه دهند و اینکه محافظه کاران بورژوازی یلتسین هستند که آمده است تا قدرت را در دست بگیرد... وی سپس با لحن تهدید آمیز و آشکارا خصمانه، می افزاید: «کسانی که روزنامه را برای بحرانی کردن اوضاع سیاسی به کارگیرند باید هزینه آن را نیز بپردازند» (متن کامل گفت و گوی روزنامه «السفیر» با مهاجرانی، به نقل از اطلاعات بین المللی، ۶ مهرماه ۱۳۷۷).

بر این اظهار نظرها سخنان اخیر خامنه ای مبنی بر حد و مرز آزادی را باید افزود تا قضیه روشن تر شود. سید علی خامنه ای در سخنانی که روز چهارشنبه، ۱۵ مهرماه، در برابر «جهادگران»، ایراد کرد و توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی مخابره شد «نوشتن با هدف نا امید کردن مردم نسبت به آینده و گرفتن نشاط کار و ابتکار و خلاقیت از جوانان را اقدامی مبنی بر خیانت و توطئه» دانست و افزود: «اگر کسانی با نوشته های خود اصل مشروعیت نظام اسلامی را [بخوان رژیم ولایت فقیه] که با این همه خون و فداکاری بدست آمده است زیر سؤال ببرند، در واقع توطئه و دشمنی کرده اند... اگر کسی بخواهد اساس نظام و پایه های اصلی آن را در ذهن و نظر مردم متزلزل کند، این خیانت و براندازی است...»

از این روشن تر نمی توان مبانی یک رژیم استبدادی و ضد مردمی را تبیین کرد. به عبارت دقیق تر، هر سخن و گفته ای که حاوی کوچک ترین انتقاد و یا ایرادی از استبداد حاکم بر میهن ما باشد، توطئه بی استیفاء است که به دستور «ولی فقیه»، مسئولین «گردن زن» و «زبان بر»ی با آن برخورد خواهند کرد و مجرمان را به دست جنایتکارانی از قبیل لاجوردی ها خواهند سپرد. آیا بین این سخنان و تعبیر از آزادی، با آنچه رژیم های دیکتاتوری دیگر و از جمله، رژیم سرنگون شده و پلیسی شاه می گفت و می کرد، تفاوتی وجود دارد؟ در زمان رژیم گذشته نیز «آزادی» تا حدی وجود داشت که، سخنی بر ضد «پایه های اصلی حکومت»، یعنی «سلطنت»، گفته نمی شد، و هر سخن و نوشته ای خارج از این چارچوب، «اقدام علیه امنیت ملی» محسوب می شد. انقلاب بهمن ۱۳۵۷، از جمله برای نفی چنین برداشتهایی از «آزادی» رخ داد، که چیزی جز آزاد گذاشتن دست مرتجعان و مستبدان در حکومت نبود، و به مقصد استقرار آزادی واقعی بود، که در آن حقوق مردم در آزادی اندیشه و بیان، بدون هیچ قید و شرطی رعایت گردد. در کشوری که حتی بالاترین مرجع مذهبی آن، یعنی آیت الله منتظری، که خامنه ای و دیگران زمانی شاگردان او بوده اند، اجازه ندارد حتی در امور مذهبی اظهار نظر مخالف بکند، و به جرم انتقاد از «ولی فقیه»، در خانه خود محبوس است، سخن گفتن از «سوء استفاده از آزادی» شوخی بی بیش نیست. یورش سازمان یافته ارتجاع به دگراندیشان، ادامه همان توطئه بی استیفاء است که حزب ما ماهها قبل درباره آن هشدار داد، و اعلام کرد هدف عمده این ترندها سرکوب جنبش مردمی است که در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، با خواست های مشخص استقرار آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی نیروی عظیم خود را نمایان ساخت.

نکته دیگر اینکه، چگونه است که وزیر ارشاد که به زعم خود به «روشنفکر آزادخواه»!!! معروفیت یافته، در مقام یک مسئول بالای دولتی که هدف عمده آن «توسعه سیاسی» و «استقرار جامعه مدنی» است، رسماً و صراحتاً روزنامه نگاران و نویسندگان دگراندیش کشور را، و یک روزنامه مستقل از جناح های حکومتی، را مورد اتهام قرار می دهد و برای آنها پرونده سازی می کند. مقصود و هدف مهاجرانی از «گروه توس» نامیدن روزنامه توس که در ذهن یک سازمان و جریان معین را تداعی می کند، چیست؟ میان این نوع سخنان و اتهام توطئه «علیه امنیت ملی»، که مقام های قضایی بر ضد روزنامه نگاران نشریه توس سرهم بندی کرده اند چه رابطه ای می تواند وجود داشته باشد؟! مگر وزیر ارشاد و عضو موسس کارگزاران سازندگی یک مقام قضایی و دادستانی ست که برای روزنامه نگاران و نشریات دگراندیش مانند روزنامه توس تشکیل پرونده می دهد و کیفر خواست تنظیم می کند؟ اصولاً معنی این عبارت مهاجرانی که روزنامه نگاران را منتهم به «تضعیف جناح خاتمی و از جمله ما در گروه کارگزاران سازندگی کردند تا بر قدرت مستولی گردند...» چه می تواند باشد؟ آیا این یک پرونده سازی غیر قانونی و حساب شده نیست؟ حزب توده ایران ضمن محکوم کردن یورش مزدوران ارتجاع و استبداد به نیروهای دگراندیش، بار دیگر بر این نکته تأکید می کند که استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، تنها در پرتو مبارزه متحد و یکپارچه توده ها برای طرد رژیم «ولایت فقیه» - عنوان سد اساسی هرگونه حرکتی در این سمت، امکان پذیر است. تجربیات یک سال و نیم گذشته بیش از پیش بر درستی این ارزیابی حزب ما صحه می گذارد. سازماندهی جنبش مستقل مردمی حول شعارهای روشن مبارزاتی، بیگانه راه غلبه بر استبداد و ارتجاع حاکم است. نیروهای مترقی اگر نتوانند در این عرصه ابتکار عمل را به دست گیرند، باید منتظر گسترش موج بگیر و بندها و سرکوب وسیع جنبش مردمی بود.

سازمان عفو بین المللی: آمریکا ابزار شکنجه صادر می کند

در بیانیه ئی که روز دوشنبه پنجم ماه اکتبر، در بن انتشار یافت، سازمان عفو بین المللی اعلام داشت که کارزار جدیدی را برای رعایت حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا آغاز کرده است. در این کارزار با عنوان: «آمریکا - پاسدار حقوق بشر؟»، سازمان عفو بین المللی، تضاد بین «جلوه گری آمریکا همچون ضامن حقوق بشر در جهان و واقعیات این کشور»، از جمله صدور احکام اعدام، صادرات اسلحه، خشونت پلیسی و تجاوز جنسی به زندانیان را محکوم می کند. بنا به اظهار آقای ولکمبار دیل دبیر کل شعبه آلمان عفو بین المللی، در ماههای آینده، گردهمایی های متعددی در این زمینه سازمان داده خواهد شد. براساس آمار منتشره از سوی عفو بین المللی، در سال ۱۹۹۷، در ایالات متحده آمریکا، ۷۴ نفر اعدام شدند. از سال ۱۹۷۶، که صدور احکام اعدام بار دیگر در ۳۸ ایالت آمریکا آزاد شد، تا کنون ۴۷۹ نفر اعدام شده اند. برخی از اعدام شدگان «عقب

مانده فکری» و تعدادی نیز «نابالغ» بودند. از نظر عفو بین المللی این خود نشانه آشکار نقض حقوق بشر است. در این احکام، رگه هایی از تبعیض نژادی نیز به چشم می خورد. نتیجه تحقیقات بیست ساله نشان می دهد که ۸۲ درصد از اعدام شدگان توسط قاضی سفید پوست محکوم شده اند. عفو بین المللی هشدار می دهد که بیش از پیش از خشونت پلیس در شهرهای بزرگی مانند نیویورک، شیکاگو و لوس آنجلس گزارش در یافت می دارد. اسناد منتشره از سوی عفو بین المللی تأیید می کند که آمریکا از نظر صادرات سلاح های جنگی و نظامی آلات الکتریکی، در پلیسی مخصوص، از جمله ماشین آلات الکتریکی، در جهان مقام اول را داراست. از این «وسایل مخصوص»، که به اندونزی، ترکیه، مکزیک و عربستان سعودی صادر می شود، به عنوان «ابزار شکنجه» استفاده به عمل می آید.



از رویدادهای جهان

جنگ طلبی ترکیه

اقدام ترکیه به تدارک یک جنگ اعلام نشده با سوریه، و حمله واحد های نظامی این کشور به شمال عراق، دگر باره وضعیت بسیار حاد و متشنجی را در خاورمیانه و در همسایگی مرز های ایران پدید آورده است. فرمانده کل ارتش ترکیه، ژنرال حسین کیوریکوگلو، در روز ۱۰ مهرماه، اظهار داشت: «وضعیت جنگ اعلام نشده میان ما و سوریه وجود دارد. ما سعی داریم که تحمل داشته باشیم اما آن هم حدی دارد.»

سلیمان دمیرل، رئیس جمهوری ترکیه، در مراسم بازگشایی پارلمان این کشور، گفت: «ما به جهان اعلام می کنیم که برای خود حق تلافی جویی برضد سوریه، که با وجود همه اخطارها و ابتکارات صلح آمیز ما مواضع خصمانه خود را برضد ما تغییر نداده است، قائل هستیم.» دمیرل اضافه کرد: «تحمل ما دارد به آخر می رسد.» اسماعیل چم، وزیر خارجه ترکیه، نیز در تأکید به قرب الوقوع بودن حمله نظامی ترکیه گفت که سوریه وقت کمی دارد تا «اقدام مشخصی را در رابطه با پایان دادن حمایت خود از نیروهای کرد» وابسته به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) انجام دهد. حسنی مبارک، رئیس جمهوری مصر، جهت میانجی گری و جلوگیری از بسط تشنج در منطقه، پس از ملاقات با حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه، روز ۱۴ مهرماه در آنکارا با رهبران دولت ترکیه به مذاکره نشست. مقامات ترکیه در جریان مذاکرات خود با مبارک، تحویل عبدالله اوسلان، رهبر حزب کارگران کردستان، را که به ادعای ترکیه در دمشق اقامت دارد، به عنوان شرط عادی کردن اوضاع اعلام کرده اند. محافل وسیعی در خاورمیانه، تهدید های ترکیه برضد سوریه، و تشدید خصومت میان دو کشور را نتیجه تحریکات دولت اسرائیل می دانند که در سال های اخیر روابط همه جانبه نزدیکی را با دولت آنکارا برقرار کرده است. دولت صهیونیستی حاکم در اسرائیل، به دفعات، ناخشنودی خود را از مواضع سوریه در قبال روند صلح خاورمیانه، و حمایت از نیروهای رادیکال فلسطینی، اعلام کرده است. x

در روز ۱۳ مهرماه بین ده تا پانزده هزار نظامی ترکیه، از طریق استان حکاری، به کردستان عراق حمله کردند. هوایماهای اف-۱۶ و هلیکوپتر های کبرای آمریکایی از این تهاجم، که هدف آن مقابله با نیروهای وابسته به حزب کارگران کردستان اعلام شده است، حمایت می کردند. آنچه تاسف محافل صلح جوی منطقه را برانگیخته است، حمله هماهنگ نیروهای وابسته به حزب دموکرات کردستان عراق به مواضع حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) است. دولت عراق نیز با انتشار بیانیه ئی خواهان عقب نشینی فوری نیروهای متجاوز ترکیه از خاک این کشور شد.

نتایج چشمگیر چپ در انتخابات سوئد

در روز ۲۹ شهریور، در سوئد، انتخابات پارلمان و انجمن های شهر و استان انجام گرفت. حزب سوسیال دمکرات، با اکتساب ۳۶/۶ درصد آراء (۸/۸ درصد کمتر از دوره قبل) برای یک دوره چهارساله دیگر مسئولیت تشکیل دولت را عهده دار شد. نارضایتی عمومی از سیاست های راست روانه حزب حاکم سوسیال دمکرات، و به ویژه سیاست های اقتصادی دولت «بوران پرشون»، زمینه ئی ایجاد کرد تا احزاب دست راستی از آن برای کسب آراء هرچه بیشتر به نفع خود، استفاده کنند. هرچند در صد آراء حزب «معتدل»، به رهبری «کارل بیلد»، اندکی بیش از دوره قبل بود (۲۲/۷٪) و هر چند در میان ناپاوری، حزب دموکرات مسیحی تعداد کرسی های خود در پارلمان سوئد را به بیش از دو برابر افزایش داد، احزاب دست راستی «مردم» و «مرکز» به طرز بسیار مشهودی محبوبیت خود را در بین رای دهندگان از دست دادند. نکته قابل توجه دیگر در این انتخابات این بود که مردم سوئد با دادن رای به حزب «چپ» و یان دادن رای و در خانه ماندن، عملاً نارضایتی خود،

نسبت به سیاست های راست روانه دولت اعلام کردند، و نشان دادند که خواهان اقدامات بنیادین در عرصه های اقتصادی و اجتماعی به نفع اقشار حقوق بگیر، زنان، جوانان، سالمندان و کودکان اند. انتخابات اخیر، در عین حال، زنگ خطری بود برای «پرشون»، که همکاری سیاسی با احزاب راست و میانه را بهترین راه نجات کشور از مشکل بیکاری می دانست. افزون بر این دو برابر شدن آراء حزب «چپ» (۱۲٪) نشان داد که سوئدی ها هنوز پشتیبان سیاست های مترقی و رادیکال در سطح جامعه اند. با این وجود، «بوران پرشون»، در یک واکنش سریع و به ظاهر واقع بینانه از انتخابات این دوره به عنوان «فاجعه» نام برد که نشان دهنده نارضایتی مردم بود ولی وی در عین حال نتوانست خشم خود را از موفقیت حزب «چپ» پنهان کند، و اظهار داشت: «برای مجلس سوئد جای بسی تاسف است که چند کمونیست کرسی های پارلمان را اشغال کنند.» با توجه به نتایج انتخابات، حمایت حزب «چپ» و «محیط زیست» از برنامه های دولت برای کسب رای در پارلمان، ضروری است. اتحادیه ها و سندیکا های کارگری، انجمن های کارگری، انجمن ها و محافل زنان، تشکیلات دانشجویی و جوانان، سالمندان و اکثریت قشرهای اجتماع، خواهان همکاری دولت با احزاب «چپ» و «محیط زیست» هستند.

شکست محافظه کاران در آلمان

پیروزی حزب سوسیال دمکرات، در انتخابات پارلمانی ۴ مهر ماه آلمان، پس از ۱۶ سال، راست گرایان «اتحادیه دموکراتیک مسیحی» را از کرسی دولت پایین کشید. ابعاد شکست آن چنان بود که، هلموت کهل، صدر اعظم معروف آلمان، در حوزه انتخابیه خود موفق به کسب کرسی پارلمانی نشد، و فقط از طریق فهرست انتخاباتی حزب خود در سطح کشور توانست به پارلمان راه یابد. این ضعف ترین نتیجه انتخاباتی برای «اتحادیه دموکراتیک مسیحی» از سال ۱۹۴۹ به این سو بوده است. حزب سوسیال دمکرات موفق شد که ۴۰/۹ در صد آراء و ۲۹۸ کرسی پارلمانی را به خود اختصاص دهد. حزب دموکرات مسیحی صاحب ۳۵/۲ در صد آراء و ۲۴۵ کرسی شد. حزب سوسیالیسم دموکراتیک (سابقاً حزب سوسیالیست متحده آلمان - PDS) با وجود پیش بینی های تمامی محافل سرمایه داری به عدم موفقیت آن، ۵/۱ در صد آراء، یعنی ۳۵ کرسی نمایندگی را توانست کسب کند. گرچه با توجه به جو ضد کمونیستی که در آلمان دامن زده شده و مواضع ارتجاعی حزب سوسیال دمکرات در این رابطه، پیوستن حزب سوسیالیسم دموکراتیک به دولت ائتلافی، در سطح کشور، غیر محتمل است، ولی مسئولان حزب، پیشنهاد خود را مبنی بر حمایت از هر گونه ائتلاف متمایل به چپ، مکرراً خاطر نشان کردند. «شرودر»، صدر اعظم جدید آلمان، قبل از انتخابات قول داده بود هیچ گاه برای کسب اکثریت پارلمانی به کمونیست ها اتکا نکند. حزب سوسیال دمکرات، دولت ائتلافی خود را با «حزب سبزها» تشکیل داد. گئورگ گزی، صدر حزب سوسیالیسم دموکراتیک، گفت: «ما به آنچه که همیشه گفته ایم پای بندیم. ما مانع تغییر دولت نخواهیم شد.» رئیس فدراسیون کارفرمایان آلمان، دیتر هوندت، با چشم پوشیدن بر نتایج آرای عمومی، گفت که در مقابل هرگونه تغییری در سمت گیری اقتصادی مقاومت خواهد کرد.

«نامه مردم» در جشن های احزاب برادر

● «نامه مردم» در جشن «اومانیته»

امسال نیز مانند سال های گذشته، جشن روزنامه «اومانیته»، ارگان حزب کمونیست فرانسه، در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۲ سپتامبر، با شرکت صدها هزار نفر در پاریس برگزار شد. مهمانان کثیری از احزاب و سازمان های کمونیستی و کارگری و مترقی جهان، به دعوت حزب کمونیست فرانسه، در این جشن شرکت کردند. غرفه «نامه مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، با کتب و نشریات گوناگون و آخرین اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، به زبان های گوناگون، جلب توجه می کرد. عکس های بزرگی از رفقای شهید، حیدر عموآغلی، دکتر تقی ارانی، خسرو روزبه و رحمان هاتفی (حیدر مهرگان)، به عنوان نماد های پیکار و پایداری اسطوره ای ها، جلوه خاصی به غرفه «نامه مردم» می داد. رفقای حاضر در غرفه، در گفت و گو با حاضرین در جشن، ضمن توضیح آخرین تحولات ایران، آنها را در جریان مواضع حزب توده ایران قرار دادند. همچنین در جریان جشن، نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران، با نمایندگان احزاب کمونیستی از کشورهای مختلف دیدار کردند.

میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان روسیه، در یک حرکت عمومی، خواهان برکناری یلتسین شدند



میلیون ها نفر از مردم زحمتکش روسیه، در روز ۱۵ مهر ماه، در سراسر این کشور با شعار واحد «یلتسین استعفا کن!» به تظاهرات پرداختند. میلیون ها کارگر با دست کشیدن از کار، به اعتراض های خیابانی در شهرهای مختلف روسیه پیوستند. گنادی زیوگانوف، رهبر حزب کمونیست

روسیه، که به همراه فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل روسیه از سازمان دهندگان این تظاهرات سراسری بود، گفت که فقط در منطقه پریموریا، در خاور دور، سیصد هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند. صد ها هزار تن از شهروندان مسکو و سنت پترزبورگ، نیز در تظاهرات این دو شهر شرکت کردند. در خابارو فسک در مرز چین، در شهرهای کمروف و نووسیبسک در سیبری، و در جزیره ساخالین در خاور دور، نیز تظاهرات بزرگی برگزار شد. شعارهای عمده این حرکت بی سابقه توده ای، که انعکاس گسترده ای در سطح جهان یافت، «یلتسین استعفا کن» و «حقوق ما را همین حالا بدهید» بود.

یکی از نکات جالب این حرکت گسترده اعتراضی، شرکت شمار زیادی از فرمانداران و استانداران مناطق مختلف روسیه در مراسم گوناگون، و در حمایت از انبوه عظیم تظاهر کنندگان بود. الکساندر لید، استاندار کراسنویسک در سیبری، خطاب به تظاهر کنندگان گفت: «همه خواسته های شما بحق است... مردم با صبوری هفت سال آزمایش های مختلف را تحمل کرده اند.» امان تولیوف، استاندار کمروف در منطقه معدنی کوزباس، خواستار قانون اساسی جدیدی شد که اختیارات رئیس جمهوری را محدود کند. استاندار خابارووسک، ویکتوریشایوف، با شرکت در تظاهرات، در اعتراض به حقوق های پرداخت نشده بازنشستگی و همچنین سیاست های شکست خورده اقتصادی، حمایت خود را از این حرکت توده ای اعلام کرد. گنادی زیوگانوف، در روز ۱۲ مهر ماه، در مراسم بنجمین سالگرد حمله نظامی دولت یلتسین به پارلمان این کشور، گفته بود که «روز پاسخ گویی به اوباشی که در این کشور در قدرت اند و در صدد ساختمان یک سرمایه داری شیاد و جنایتکار هستند، به زودی فرا می رسد.» او گفت: «اگر عملیات اعتراضی روز ۱۵ مهر ماه نتیجه لازم را ندهد، آنگاه ما یک کارزار اعتراض و نا فرمانی مدنی را دنبال خواهیم کرد.»

میخائیل شوماکوف، رهبر فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل روسیه، گفت: «مجموع حقوق های عقب مانده در بخش دولتی و خصوصی در اواسط شهریورماه، ۸۶ میلیارد روبل (حدود ۵ میلیارد دلار) است.» به دلیل تقلیل ارزش روبل، متوسط حقوق در روسیه، به کمتر از ۷۰ دلار در ماه تقلیل یافته است. به گفته شوماکوف «دولت ظاهراً تبلیغات خودش را در مورد تحمل مردم روسیه باور کرده است و تصمیم گرفته بر روی مردم تف کند، ولی امروز مردم بر روی آن تف می کنند.»

از جنبه های با اهمیت این حرکت گسترده توده ای، هماهنگی نزدیک جنبش سندیکائی

ادامه در صفحه ۶



● «نامه مردم» در جشن «صدای خلق»

جشن «صدای خلق»، نشریه حزب کمونیست اتریش، امسال به روال همیشه، در روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ سپتامبر، در وین برگزار شد. این جشن، دومین جشن بزرگ وین محسوب می شود و هر ساله هزاران نفر در آن شرکت می کنند. غرفه «نامه مردم»، امسال نیز مانند سال های گذشته، در «دهکده همبستگی»، در کنار غرفه احزاب کارگری و کمونیستی دیگر از کوبا، ترکیه، شیلی و پاراگوئه برپا بود. رفقای توده ای، با فعالیت خود در خلال جشن، توانستند همزمان با فروش و بخش نشریات حزبی، صدها برگ اعلامیه به زبان فارسی و آلمانی، در حمایت از زندانیان سیاسی و طرد رژیم «ولایت فقیه» و اطلاعیه کمیته مرکزی حزب درباره سالگرد فاجعه ملی را در میان بازدید کنندگان غرفه بخش کنند. در ضمن امسال رفقا با ابتکار جالبی، با استفاده از پروژکتور، تصویر رفقای شهید حزبی را در تاریکی شب، بر دیواره غرفه حزب انداخته بودند، که توجه وسیع شرکت کنندگان را جلب کرد.

کمک های مالی رسیده

فریاد از انگلیس ۲۰۰ پوند
به یاد رفیق گودرز بیگدلی ۲۰۰ کرون
از هلند ۵۰ گیلدن
الهام از برلین ۵۰ مارک

13 October 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:542

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.